

یک پنجره به لحظه آگاهی و نگاه و سکوت

درنگی در شعر زنان ایران

و... هر چند قرن یک بار ظهور می کردند و با درخششی در فضای ادبیات، تاریخ شعر زنان ایران را با اشعار زیبایی خویش می آراستند، اما این نکته در بررسی جریان شعر زنان در تاریخ ایران روشن است که در طول ده قرن ادبیات فارسی تا پیش از دوران معاصر، اگرچه آثار این شاعران از نظر کیفی در نوع خود بسیار درخشان بوده، از نظر کمیت انگشت شمار بوده‌اند و همین نکته موجب شده است که شمار برگ‌های کتاب تاریخ شعر زنان ایران در میان کتاب‌های قطور تاریخ شعر فارسی، بسیار کم باشد. صد البته علت‌های گوناگون فرهنگی، تاریخی، اجتماعی وایدئولوژیک را در این میان می‌توان مطرح کرد که از حوصله این یادداشت خارج است.

با این حال، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شعر زنان ایران از نظر کمیت نیز تحول چشم‌گیر و روبه‌جلویی را تجربه کرد و شمار زنان شاعر که آثارشان درخور درنگ و واجد ارزش‌های ادبی و فرهنگی است، با هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران قابل قیاس نیست و از این منظر حتی در میان ملت‌ها و زبان‌های مختلف دنیا نیز می‌تواند موضوعی بسیار مهم و ارجمند به‌شمار آید. این دگرگونی خجسته فقط در عرصه سرودن شعر نبوده، بلکه توجه به بلاغت زنانه، نقد زنانه و آثار زنان شاعر در عرصه مطالعات ادبی نیز رونق به‌سزایی گرفته است و هم‌اینک بخش درخور توجهی از مطالعات ادبی چه در محافل دانشگاهی و چه در مجامع تخصصی نقد ادبی و حتی انجمن‌ها و جشنواره‌ها و گردمایی‌های

ادبی نیز به این حوزه اختصاص دارد. صرف‌نظر از نظریه‌های وارداتی، اگر نگاه دقیقی به شعر زنان در این روزگار ببندازیم، خواهیم دید که آنچه در این جریان مهم شعری بیش از همه به چشم می‌آید، بازیابی خویشتن زنانه شامل نگاه زنانه مبتنی بر عواطف ویزه زنان به همه عناصر شعر از قبیل زبان و عاطفه و خیال و موسیقی و ساختار و نیز نزدیک کردن شعر به ذات زندگی است؛ به‌قول فروغ فرخزاد، «مرتابار خونی گل‌ها به زیستن متعهد کرده است!» شاید برای کسانی که همچنان نگاهی مردسالارانه به ادبیات دارند، شعر زنان به‌دلیل تفاوت در عناصر شعری، در درجه دوم اهمیت قرار داشته باشد، اما اگر این نگاه نادرست را به کناری نهیم و نگاهی آدم‌سالارانه

به ادبیات داشته باشیم، خواهیم دید که اتفاقاً این جریان شعری دربردارنده نگاهی مغفول‌مانده در تاریخ ادبیات ماست؛ نگاهی که ویژه نیمی از آدم‌هاست و صد البته که گاه می‌توان جریان جاری و زنده زندگی را در آن به‌تماشا نشست، فارغ از کلیشه‌هایی که گاه شعر مردان را تا سرحد ابتذال پیش می‌برد.

در اینجا نباید از یاد برد و باید به تأکید گفت که جریان شعر زنان، چه در عرصه سرودن و چه در عرصه مطالعات ادبی، به‌دلیل خیزشی که در دهه‌های اخیر داشته، جریانی تازه به‌شمار می‌آید که هنوز جواب ناشناخته بسیاری دارد و به‌قول صائب تبریزی، «یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت/در پندآن مباحث که مضمون نمانده است!»

واژه‌هایی برای روز مبادا

معاصر خوانده‌ایم، به‌نوعی پاسخ این پرسش را داده‌اند؛ هیچ واژه‌ای را در ذات نمی‌توان شاعرانه یا غیرشاعرانه‌نامید، بلکه شاعر باید ساختاری در شعرش بیافریند که هر واژه‌ای را در آن به کار برد، شاعرانه شود. با این حال، وقتی به شعرهای این پنج کتاب می‌نگریم، به‌وضوح می‌بینیم که گستره دایره واژگانی شاعر و تنوع زبان و جهان شاعرانه او از یک سو باعث شده است که شعرها از ابتذال و تکرار و فضاهای آزموده فاصله بگیرند و هر شعر دربرچه‌ای به جهان تازه‌ای از واژه‌ها و جمله‌ها شود. همچنین این ویژگی موجب می‌شود که تخیل شاعر نیز گسترش یابد و در محدوده تشبیه‌ها و استعاره‌های رایج و پرکاربرد زندانی نماند و در هر شعر به‌فراخور هر واژه تازه‌ای که آمده است، تصویر تازه‌ای را ببینیم. صدا البته این رویکرد شعری، کار شاعر را به‌شدت سخت کرده است، زیرا باید از پس برساختن ساختاری برای هر شعر برآید که واژه‌های گوناگون را زیر چتری به‌نام «شعر» گرد هم بیاورد؛ توفیقی که اگرچه در برخی شعرها نصیب شاعر شده، اما در همه شعرهای این مجموعه‌ها یکسان نیست و فراز و فرود دارد. تنوعی که درباره زبان شعرهای این مجموعه‌ها گفته شد، در جوه دیگر خلاقیت شاعر نیز دیده می‌شود؛ قالب‌های متنوع و شعرهای کوتاه و بلند، مضمون‌های متنوع و عواطفی که از هر شعر تا شعر دیگر متفاوت است. در عین حال، سابقه دانشگاهی و پژوهشی شاعر در حوزه ادبیات فارسی موجب شده است که همواره حدی از اعتدال را رعایت کند.

یکی از شاعرانی که با وجود سال‌ها فعالیت ادبی در دو حوزه سرودن و پژوهش دانشگاهی در فضای ادبی خراسان، تا کنون مجموعه مستقلی منتشر نکرده بود و به‌تازگی پنج مجموعه از شعرهایش را منتشر و روانه پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها کرده، ملیحه شهریار ی است. «لطفاً دانلودم کن»، «پنجشنبه با فکرهای می‌پذیرد، بی‌آنکه کلمه‌ای از ساختار بیرون بزند... ترتیب طبیعی و منطقی واژگان در شعر، نشان دهنده ذهن آرام و عاطفه سرشار شاعر است؛ به‌شکلی که در شعر او ازدحام تصویر نمی‌بینیم و مخاطب با خواندن شعرش با شکست و گسست ذهنی روبه‌رو نمی‌شود. موسیقی کلمه‌ها نیز در راستای محتوای شعرها به کار گرفته می‌شود و آهنگ واژگان و ساختار جمله‌ها به‌تناسب مضمون شعرها، کند و تند می‌شود... جناس، تضاد، تکرار، قرینه‌سازی، ترکیب‌سازی، تناسب و کشف‌های شاعرانه مهم‌ترین شگردهای ادبی شاعر هستند که همه آن‌ها در خدمت معنا تجسم می‌یابند، زیرا موضوع شعرها برگرفته از زندگی شاعر و اجتماعی است که در آن می‌زید... او شعرش را در خیال‌های دست‌نیافتنی جست‌وجو نمی‌کند، بلکه شعرهایش روایت تجربه زیستی اوست در خانه و اداره و پیاده‌روی که در آن قدم می‌زند... شاعر واژگانش را از سطور زندگی می‌چیند و با ورز دادن آن‌ها در ذهن خود و سپس درآمیختن آن‌ها در عالم خیال با آرمان‌ها و الگوهای خود ساخته ذهنش، منشوری به مخاطب تحویل می‌دهد که اگرچه بسیار ساده می‌نماید، اما همه‌ای که عناصر آن در پیوستگی با هم هستند و آمده‌اند تا یک کلیت زیبا و متعالی را شکل دهند.»

مهم‌ترین ویژگی شعرهای این پنج مجموعه، در نخستین نگاه، گستره دایره واژگانی شاعر است. شاعر در فرایند سرودن هرگز دست رد به هیج واژه‌ای برای آورد به زبان شعرش نزده است و این گستردگی دایره واژگانی به تنوع زبانی و در نهایت به گستردگی جهان هنری شاعر می‌انجامد. البته این نکته‌ای است که بعضی درازدامن می‌طلبد. از دیرباز گفت‌وگویی در میان اهالی شعر مطرح بوده است بر سر اینکه آیا هر واژه‌ای را می‌توان شاعرانه نامید یا خیر. جریان متریقی شعر با نمونه‌های موفق‌ی که در شعر شاعران بزرگ



تماشای پروانه‌ها در میان دیوارها و درهای بسته

«در ذهن موش‌ها» عنوان مجموعه شعرهای مرضیه داوری‌ترشیزی است که به‌تازگی از سوی انتشارات فصل پنجم روانه پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها شده است. این کتاب دربردارنده ۳۲ شعر از نوسوره‌های این شاعر است. «شعرها مزامیر جان‌ها، سطح مبارکی شده است. عشق و انتظار در تلفیق با مضامین و دغدغه‌های اجتماعی و انسانی شاعر در بیانی روان و زبانی عاطفی مهم‌ترین ویژگی شعرهای این دفتر است که با انواع تشبیه‌ها به‌تصویر کشیده شده‌اند. «تنها بودن در نگاتیو عکس‌ها»، «سرماسوزن هایش را در پشتم فرو می‌کند»، «چون قطره‌ای جا مانده از باران»، «رازی مسکوت که قرن‌هاست مورچه‌ها آن را با خود به گور می‌برند»، «ترسیدن از زوزه جادوگران»، «گلوی تاریخ بر سر دار»، «معضومیت یک کلمه»، «هزاران پرندۀ در چشمانم گیر افتاده‌اند»، «یک تراژدی عاشقانه که در اولین جنگ با اولین گلوله از پا درآمد»، «در هجوم ویرانگر شب»، «چون پرندۀای سرگردان که بی‌هوا به‌دام می‌افتد»، «برای سردرگمی قاصدک‌ها»، «تماشای پروانه‌هایی که یکی‌یکی به دست‌ها برمی‌گردند»، «ترس از چشمان هیز پنجره»، «چیزی شبیه دروغ‌های شاعران»، «می‌ترسم این شعر آتشفشان شود»، «چترهایی که در خیابان قدم می‌زنند»، «کری که مورچه‌ها

آن را جویده‌اند و کارد موربان‌ها در آن لولیده‌اند»، «دست‌هایی آغشته به رنگ انار» و... پاره‌ای از تصاویر شعرهای این کتاب‌اند که در سطح تخیل شاعر ا به‌روشنی نشان می‌دهند. شاعر در بیستمین سوره‌ای که در این کتاب آمده است، شعری دارد که به اصطلاح



نرگس برهمند یکی از شاعران خراسانی است که علاوه بر سرودن شعر، با فعالیت هایش در عرصه‌های مختلف شعر امروز ایران شناخته می‌شود. این شاعر که دو مجموعه «کوهستان عزیز» و «به‌دنیا اعتماد کرده‌ام» را در کارنامه ادبی خود دارد، به‌تازگی مجموعه شعر «امیرولا خواهر گل‌های جهان» را در انتشارات نگاه منتشر کرده است. این شاعر که غزل‌ها و نوسوره‌هایش در دو مجموعه پیشین برنده جایزه‌هایی در سطح ملی نیز شده، در مجموعه اخیرش نوسوره‌هایی از سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ را آورده است که بیشتر دربردارنده مضامین عاشقانه، اجتماعی و زنانه هستند.

این شاعر درباره این مجموعه شعر می‌گوید: «وجود حقیقی زن در شعرهایم نمود دارد؛ زنی که خود خود هستم؛ بدون هیچ ادا و اطواری؛ زنی که ساده و روان می‌نویسد و هم‌پای مردان زندگی را تجربه می‌کند و هم از تجربه‌های عاطفی خود بهره می‌برد و هم از تجربه‌های زیستی که در تعامل انسان‌ها و جهان هستی به‌دست آمده‌اند... این تجربه‌ها با شادی و اندوه همراه‌اند و این گره‌خوردگی شادی و اندوه جاشنی شعرهاست.» چنین رویکردی به تجربه شاعرانه و سال‌ها تجربه در نقد و آموزش شعر و ادبیات، به شاعر این امکان را داده است که فضایی شخصی و منحصر به‌فرد در شعرهایش بیافریند که به‌شدت زنانه است؛ به‌شکلی که وقتی می‌خواهد درباره جنگ یمن شعر بگوید نیز در ابتدا دغدغه‌اش اندیشیدن و هم‌دردی با کودکان و زنان بی‌گناهی است که قربانی خشونت‌ها می‌شوند. از سوی دیگر، جزئی‌نگری و

انسان نشسته است در ابعاد نازکش

«رقصا» نام مجموعه‌شعری از کیمیا تاج‌نیا، شاعر و استاد دانشگاه است که به‌تازگی ازسوی انتشارات فصل پنجم با ۳۷ شعر در ۵۸ صفحه منتشر شده است. در این کتاب که در بردارنده شعرهایی در قالب‌های غزل و چهارپاره و نوسوره‌های شاعر است، غلبه با مضامین عاشقانه و تصویرهای تازه‌ای برای بیان عواطف شاعرانه است. شاعر چه در شعرهای کلاسیک و چه در شعرهای نو، از فضایی غنایی و زبانی امروزی سرشار از تصویرهای تازه بهره برده است. «عشق و مفاهیم پیرامونی آن از دیرباز و شاید از هزارها پیش در ذهن و زبان انسان‌ها مهم‌ترین موضوع در ادبیات و هنر بوده است، اما شاعر در شعرهای این کتاب توانسته است با استفاده از امکانات زبانی و گستره تخیل خویش، رنگی تازه به این مفهوم دیرینه بزند و به آن جلوه‌ای دیگر بدهد. علاوه بر این، در بستر این شعرهای عاشقانه، گاه مفاهیم دیگری همچون دغدغه‌های فلسفی و سیاسی و اجتماعی نیز در شعرها مطرح شده است و دست بالای شاعر در طرح این مفاهیم آن است که توانسته است تصویرسازی شاعرانه خویش را با بیانی نامادین در این شعرها ادامه دهد. در این میان،

یکی از مهم‌ترین جلوه‌ها از آن زبانی که شاعر است که با نگاهی زنانه به جهان، همه این مفاهیم انسانی را از دریچه نگاه یک زن ایرانی با پشتوانه‌ای از ادبیات عاشقانه و عارفانه نگرسته و با زبانی ویژه خویش عرضه کرده است؛ زبانی که سلامت آن پای در مطالعات ادبیات



یوسف بینا

شعر زنان ایران که در دوره معاصر با ظهور چهره‌هایی همچون پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی خودنمایی ویژه‌ای داشت، با پیروزی انقلاب اسلامی و دگرگونی‌های بنیادینی که به‌ویژه در عرصه‌های اجتماعی در جامعه ایران رخ داد، وارد مرحله تازه‌ای شد و گستره شگفت‌انگیزی یافت.

در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، اگرچه شماری از شاعران بزرگ ایران همچون سه شاعر نام‌برده چهره‌های شاخصی بودند و پیش از آن نیز در تاریخ ادبیات ایران تک‌چهره‌هایی همچون رابعه قزازی، مهستی گنجه‌ای، رشحه (دختر هانف اصفهانی)، ژاله قائم‌مقامی

شاعری که پونه‌ریز می‌کند برای کوکوی عصرانه

دقت در جوانب زندگی، ویژگی دیگری است که دقت زنانه شاعر به شعرهای این کتاب بشخیده است. جواد کلیدری، شاعر و منتقد ادبی درباره این کتاب می‌نویسد: «کلمه‌ها در شعر نرگس برهمند یکدیگر را به خوبی پیدا می‌کنند؛ ساختار شعرها از یک نقطه شروع می‌شود و در یک نقطه پایان می‌پذیرد، بی‌آنکه کلمه‌ای از ساختار بیرون بزند... ترتیب طبیعی و منطقی واژگان در شعر، نشان دهنده ذهن آرام و عاطفه سرشار شاعر است؛ به‌شکلی که در شعر او ازدحام تصویر نمی‌بینیم و مخاطب با خواندن شعرش با شکست و گسست ذهنی روبه‌رو نمی‌شود. موسیقی کلمه‌ها نیز در راستای محتوای شعرها به کار گرفته می‌شود و آهنگ واژگان و ساختار جمله‌ها به‌تناسب مضمون شعرها، کند و تند می‌شود... جناس، تضاد، تکرار، قرینه‌سازی، ترکیب‌سازی، تناسب و کشف‌های شاعرانه مهم‌ترین شگردهای ادبی شاعر هستند که همه آن‌ها در خدمت معنا تجسم می‌یابند، زیرا موضوع شعرها برگرفته از زندگی شاعر و اجتماعی است که در آن می‌زید... او شعرش را در خیال‌های دست‌نیافتنی جست‌وجو نمی‌کند، بلکه شعرهایش روایت تجربه زیستی اوست در خانه و اداره و پیاده‌روی که در آن قدم می‌زند... شاعر واژگانش را از سطور زندگی می‌چیند و با ورز دادن آن‌ها در ذهن خود و سپس درآمیختن آن‌ها در عالم خیال با آرمان‌ها و الگوهای خود ساخته ذهنش، منشوری به مخاطب تحویل می‌دهد که اگرچه بسیار ساده می‌نماید، اما همه‌ای که عناصر آن در پیوستگی با هم هستند و آمده‌اند تا یک کلیت زیبا و متعالی را شکل دهند.»



نقش شاعران زن در شعر امروز ایران

بخارایی| «در ادبیات جهان اگرچه زنان شاعر نسبت به مردان، به‌بعد، کمتر بوده‌اند، اما این مسئله نافی نقش سست‌رگ آنان در شعر و ادبیات روزگار نیست؛ هیچ جریان و دوره ادبی را نمی‌توان سراغ گرفت که زنان در آن نقشی ماندگار ایفا نکرده باشند و صفحات و آثاری باشکوه به‌نام آنان رقم نخورده باشد.» این جمله‌ها سرآغاز مقاله‌ای با عنوان «شعر مؤنث؛ نقش شاعران زن در شعر امروز ایران» به‌قلم بهزاد خواجات، شاعر و استاد دانشگاه است که در آن به روند نقش‌آفرینی زنان شاعر از آغاز پیدایش شعر نو و بررسی زنان شاعر تأثیرگذار در شعر نو و نیز فراز و فرود شعر زنان ایران و دلایل اجتماعی تحول این جریان شعری پرداخته شده است.

- نقش‌هایی‌شگرف در گنبد خیال

نویسنده در ابتدای این مقاله آورده است: «در ایران، حتی در سنتی‌ترین دوره‌های تاریخی، زنان شاعر قلم را وانهاده و نقش‌هایی شگرف در گنبد خیال آفریده‌اند؛ البته بدیهی است که زنان شاعر با مردان شاعر به‌قدر جایگاه تاریخی و اجتماعی خود متفاوت بوده‌اند، هرچند این تفاوت ماهیت ارزشی نداشته است... روحیه زنانه می‌تواند برای هر شعری مؤلفه‌ساز و بسترساز تلقی شود و چه از حیث معنایی و چه از حیث ساختاری در شعر تأثیر بگذارد... البته این بدان معنا نیست که در شعر همه زنان این استراتژی مشهود و ملموس باشد، بلکه محدودند زنان شاعری که با درک موقعیت ویژه خود توانسته باشند خود و موقعیتشان را در دل جامعه به‌درستی ارزیابی کنند و مآوع این شناسایی و معرفت را به ساختار شعر خود تسری دهند.»

- از دریچه‌ای دیگر

در بخش دیگری از این مقاله آمده است: «زنان شاعر از دریچه‌ای دیگر و مکمل، به زندگی و تاریخ می‌نگرند، آن را رقم می‌زنند، به کلیت واقعیت‌ها می‌افزایند و حقیقت موجود را شکل می‌دهند. البته تقسیم‌بندی شاعران به مرد و زن یک تقسیم‌بندی عرضی است، اما از آنجا که شعر می‌تواند نماینده روح، ذات، ذهن، زمان و زبان شاعر و فضایی باشد که در آن زندگی می‌کند، شعر شاعران زن نیز چنین منظوری را جدا از شعر شاعران مرد و به‌عنوان پاره‌ای از واقعیت برمی‌آورد؛ خاصه که در تاریخ ادبیات ایران همیشه سهم آنان نادیده گرفته شده یا در سایه شعر شاعران مرد مانده است و حتی شاعران زن نیز در طول تاریخ بیشتر به هیبتی مردانه و با صدایی مردانه به‌میدان آمده و هویتی مجزا و مستقل از خود نشان نداده‌اند؛ در حالی که بررسی شعر زنان معاصر می‌تواند کوشش برای نقش چنین هویتی باشد.»

- مادرانگی، زاینده‌گی و سربان‌دگی

نویسنده در ادامه پژوهش خود درباره ویژگی‌های شعر زنان نوشته است: «چنین به‌نظر می‌آید که وقتی پای احساس و بیان در میان باشد، زن به‌دلیل ویژگی‌های خاص عاطفی و روانی، حرف بیشتری برای گفتن داشته باشد، اما مسئله این است که گاه شعر زمانه در چنبره‌ها و نه‌توهای تاریخی و سنتی یک جامعه آن قدر پیچ‌وتاب می‌گیرد که یا از روح زنانه تهی می‌شود یا شکل طبیعی خود را از دست می‌دهد... زن مادر است و مادر زاینده زندگی است؛ چنین جایگاهی به‌راستی برای اینکه کسی شعر بگوید و شعرش ماندگار باشد، جایگاه مناسبی است.»

- بازتاب صدای اعتراض

وی با اشاره به مسیر تاریخی شعر زنان در ایران، آورده است: «انقلاب مشروطه و حتی تحولات منجر به این انقلاب در حقیقت نتیجه تحول نوع نگاه انسان ایرانی به مسائل دنیای مدرن و به‌درون کشی این انقلاب‌های فکری و عینی با حفظ موجودیت بخش‌هایی از سنت و نگاه دین‌مدارانه است؛ در دوره مشروطیت است که زنان پایه‌پای مردان در نهضتی بزرگ حاضر می‌شوند تا سرنوشت خود را بسازند و این حضور ن‌تنها در عرصه اجتماع که در ادبیات نیز نمود پیدا کرده است و نخستین بار، زنان را متوجه اجتماع و مسائل آن نشان می‌دهد؛ منتها به‌سیاقی دیگر شاعران عهد مشروطه، شعر زنان هم بیش از آنکه به خود شعر و اعیان و اکتاف آن نظر داشته باشد، هیجان زده و با مایه‌هایی از شمار و در خدمت اهداف ملی است. بنابراین شعر امروز را باید از مشروطه به این سو جست‌وجو کرد و البته بدیهی است که شعرهای آنان بیشتر به مبارزه با زن‌ستیزی‌های موجود اختصاص داشته باشد و کمتر ویژگی‌های زنانه در آن‌ها نمود پیدا کند... در شعر این دوره، به‌تدریج حمایت از مظلومیت زن ایران و حقوق اجتماعی او محور توجه قرار گرفت، به‌ویژه آنکه زنان شاعر نیز بر شأن و جایگاه و حقوق اجتماعی فرهنگی خود تأکید می‌ورزیدند و روزنامه‌ها نیز بازتاب‌دهنده صدای اعتراض آمیز زنان بودند.»

- از خنثی تا انقلاب

نویسنده مقاله ادامه داده است: «در دوره رضاشاه، اگرچه در ظاهر عرصه برای زنان وسیع‌تر نشان داده می‌شد، اما از آنجا که رضاشاه در پی تزریق مدرنیته‌ای وارداتی به شریان‌های کشور بود که با معیارهای دینی و ملی ما هیچ گونه سختی نداشت و در حد یک پز توخالی باقی ماند، پرداختن به زنان و حقوق و ادبیات آن‌ها نیز همان پز توخالی بود؛ بهترین دلیل برای این معنا اختلافی است که از آغاز حکومت رضاشاه در کشور حکم‌فرما شد؛ اختلافی که با هیچ مابعدی مطابقت نداشت... در دهه‌های بعد، شعر زنان ایران در تنه شعر امروز به فرازهای جدیدی راه پیدای می‌کند و انتشار کتاب‌های زنان شاعر به‌نسبت افزونی می‌گیرد. برکناری رضاشاه، کودتای ضدردمی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شکل‌گیری سلاواک، قیام ۱۵ خرداد و... مسائل مهمی هستند که شعر روزگار نمی‌توانست بدان‌ها بی‌اعتنا باشد و به‌طبع در شعر شاعران زن نیز مستقیم و غیرمستقیم نمود یافته است... در دهه ۵۰ همگام با خیزش انقلابی مردم، شاعران زن نیز به این خیل عظیم می‌پیوندند و شعرشان را با این نهضت عمومی هماهنگ می‌شود و شعر را تبدیل به سلاحی در دست انقلابیون می‌کنند... از سال ۱۳۵۷ تا امروز نیز زنان شاعر با درک موقعیت‌های جدید به‌نسبت هوش و پیگیری جریان‌های تازه‌به‌تازه شعر امروز، پیوسته حضور جدی خود را حفظ کرده و ادامه داده‌اند.»

- نقش‌های ماندگار در جریان‌های پیشرو

وی در پایان این مقاله خاطرنشان کرده است: «شعر زنان ایران مانند شعر مردان همواره از جامعه تأثیر گرفته و به تاریخ ادبیات زمانه خود شاهکارهایی ارائه داده است. زنان شاعر به‌مثابه زاینده‌گی و حس ماندگار خود همواره منبع بی‌شائبه عاطفه بوده و از منظری حسنی‌تر به مسائل جهان پیرامون اعتنا کرده و بدان واکنش نشان داده‌اند و با درک شاخه‌های متفاوت و روبه‌پیش شعر امروز همچنان به خلق آثار نو و خلاقانه توجه نشان می‌دهند و در پیشروترین جریان‌های موجود نقشی سترگ ایفا می‌کنند.»

شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

شنبه
۱۳۹۹
۲۰ شهریور
۱۳۳۸

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

روزنامه
شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی

شهرام‌سید
وزندگی